

استادانه

محتوای خوب از ما، نهره خوب برای شما

پاسخ پرسشهای آخر فصل کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ازش استفاده میکنی اینو بدون که استادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ازش استفاده کنی!

اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت استادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری

www.OSTADANEH.com



توجه توجه

فهرست مطالب

- درس اول: شناخت مفاهیم..... ۲
- درس دوم: تئوری های انقلاب..... ۵
- درس سوم: بررسی عوامل پیدایش انقلاب از منظر دینی..... ۹
- درس چهارم: ماهیت و ویژگیهای انقلاب اسلامی..... ۱۱
- درس پنجم: ارکان انقلاب اسلامی (۱)؛ رهبری..... ۱۳
- درس ششم: ارکان انقلاب اسلامی (۲)؛ مکتب و مردم..... ۱۴
- درس هفتم: دستاوردهای انقلاب اسلامی..... ۱۶
- درس هشتم: آسیب شناسی انقلاب اسلامی..... ۱۸
- درس نهم: راهکارهای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی..... ۲۰
- درس دهم: دوران نهضت مشروطه..... ۲۲
- درس یازدهم: دوران دیکتاتوری رضاخانی..... ۲۴
- درس دوازدهم: دوران سیاه محمدرضاشاهی؛ جرقه های اولیه انقلاب اسلامی..... ۲۵
- درس سیزدهم: دوران سیاه محمدرضاشاهی؛ سال ۱۳۵۶ ، آغاز موجی تازه در انقلاب..... ۲۸
- درس چهاردهم: جریانشناسی گروههای منحرف فکری انقلاب اسلامی..... ۳۰

۱- سیر تطور واژه انقلاب را بیان نمایید.

در زبان فارسی و عربی از اصطلاحات نجومی و به معنای حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان، دور و گردش است. در قرآن کریم این کلمه در دو معنای رجوع و بازگشت و تحول و دگرگون شدن استعمال شده است.

۲- دو معنای انقلاب در عرصه علوم انسانی و اجتماعی را ذکر کرده، مقصود از آن را در این نوشتار مشخص نمایید.

۱- تحول سریع، شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی دهد و در نتیجه یک نظام جای خود را به نظام دیگری دهد.

۲- تحول شدید و ریشه ای و غیر سیاسی که به کندی و بدون خشونت صورت می گیرد مانند انقلاب علمی و ادبی.

در این نوشتار مقصود فقط معنای اول است.

۳- اعتصاب را تعریف و با توجه به تعریف انقلاب این دو واژه را مقایسه کنید.

هر نوع تعطیلی که به عنوان اعتراض به تجاوز به یکی از حقوق اجتماعی به عمل آید. در معنای خاص کلمه یعنی معلق ساختن هماهنگی کار از طرف کارگران و دستمزد بگیران.

اعتصاب چه به صورت عمومی و چه به صورت صنفی و ... کم یا بیش با امور و شئون سیاسی ارتباط می یابد؛ بنابراین اعتصابی وجود ندارد که کم و بیش جنبه سیاسی نداشته باشد.

۴- ضمن تعریف کودتا نقاط افتراق آن را از انقلاب مشخص نمایید.

در معنای عام خود یعنی شورش گروهی از دستگاه حاکمه بر ضد گروه دیگر و تلاششان برای برکنار کردن آنان از صحنه قدرت. اگر کودتا به ابتکار گروهی از مقامات دولتی یا صرفاً توسط آنان صورت گیرد، کودتا به

معنای واقعی نام می‌گیرد و اگر به ابتکار گروهی از مقامات ارتشی و نظامی یا صرفاً به وسیله آنها انجام پذیرد، کودتای نظامی نامیده می‌شود.

تفاوت انقلاب و کودتا: کودتا از بالا و به دست افرادی از نظام حاکم انجام می‌گیرد در حالی که انقلاب طغیان عموم مردم و قشرهای پایین بر صد نظام حاکم است.

۵- شورش چیست و چه تفاوتی با انقلاب دارد؟

رفتار خشونت آمیزی که توسط توده ای از مردم یک منطقه علیه حکومتی خاص برای رهایی از سلطه سیاسی آن حکومت شکل می‌گیرد.

مقایسه شورش و انقلاب:

۱- وسعت و عمق یک انقلاب به مراتب بیشتر از شورش است.

۲- حرکات اعتراضی در شورش ها از سرعت بیشتری برخوردارند و از این رو دامنه آشوب در مدت کوتاه‌تری جامعه را در برمی‌گیرد.

۳- در شورش رفتارهای بسیار خشونت آمیز و جنگ مسلحانه از عناصر اصلی به شمار می‌روند ولی در انقلاب ها انقلابیون با نوعی برنامه سیاسی و تا حدودی از طریق تاکتیک های نظامی حساب شده و در قالب احزاب سیاسی عمل می‌کنند.

۶- واژه اصلاح را از نظر لغت و اصطلاح تشریح نموده، آن را با مفهوم انقلاب مقایسه کنید.

در مقابل کلمه افساد به کار برده می‌شود و به معنای سامان بخشیدن و به صلاح آوردن می‌باشد.

معنای این گونه کلمات به اصطلاح ادیبان از اضداد شمرده می‌شود و با کمک یکدیگر روشن می‌شوند.

حرکت به سوی هدف مطلوب اصلاح شمرده می‌شود خواه آن حرکت به تدریج و خواه به صورت جهشی تحقق پذیرد. در اصطلاح به حرکت نوع اول اصلاح و به حرکت نوع دوم انقلاب گفته می‌شود.

۷- نهضت یا جنبش چیست و چه تفاوتی با انقلاب دارد؟

حرکت یا رفتار گروهی به نسبت منظم و بادوام برای رسیدن به هدف اجتماعی و سیاسی معین و بر اساس نقشه معین که ممکن است انقلابی و یا اصلاحی باشد.

تفاوت انقلاب و جنبش:

۱- در انقلاب خشونت از شروط اصلی و ضروری به شمار می‌رود و هرگونه تغییر و تحول در جامعه را نمی‌توان انقلاب محسوب کرد ولی خشونت شرط لازم برای تحقق یا جنبش به شمار نمی‌رود.

۲- تغییر و دگرگونی در ساخت سیاسی یک جامعه از عناصر مهم انقلاب به شمار می‌رود و بر این اساس تعویض حاکمان سیاسی و به هم ریختن شیرازه وجودی یک حکومت از اهداف هر انقلابی است ولی در نهضت و جنبش، ممکن است تنها به اصلاح بخشی از یک ساعت سیاسی اکتفا شود.

۳- گستردگی یک انقلاب و دربرگرفتن اقشار و اصناف مختلف کشور به مراتب بیشتر از یک نهضت می‌باشد.

۱- تئوری یا نظریه را تعریف کنید و نقش تئوری های انقلاب را در درک پدیده انقلاب تشریح نمایید.

تئوری یا نظریه همواره در صدد است تا قوانین تکامل یا تحول در طبیعت یا جامعه را توجیه نماید و برای آن توضیح علمی بیابد.

نظریه های انقلاب متکفل بیان علل موجهه، فرآیند و روند انقلاب است. نظریه ای می تواند جامع تر و به حقیقت نزدیکتر باشد که کلیه این محورها را مورد توجه قرار داده باشد.

تلاش می کنند تا وقایع مختلف انقلاب را تفسیر کنند، برای پیدایش این پدیده عللی را شناسایی نمایند، حرکت اجتماعی بعدی از جمله انقلاب را پیش بینی کنند. تئوری های انقلاب به تبیین و تشریح علمی جایگاه این حرکت اجتماعی می پردازند و منشا تحولات در جامعه را منعکس می سازند.

۲- نظریه افلاطون و ارسطو در زمینه پدیده انقلاب را شرح نموده، نقدهای متوجه آن را بیان کنید.

از نظر افلاطون، حکومت مطلوب حکومتی است که حکیمان عهده دار رهبری آن باشند. برای آنکه بتوان جامعه ای را به خوبی اداره کرد، باید کسانی که مدیر جامعه می شوند، افراد برتری باشند که جامع علوم مختلف و از لحاظ تربیتی و اخلاقی ممتاز باشند. حکما باید علاوه بر حکمت نظری، دارای حکمت عملی نیز باشند. افلاطون در نظریه خود اهمیت زیادی را برای تعلیم و تربیت جسمی و روحی در تحکیم و تثبیت یک نظام سیاسی قائل می شود و کم توجهی به این مسئله را سبب بروز آشوب و ناامنی در مدینه فاضله دانسته است.

ارسطو در رساله سیاست خود، نظریه خود را مطرح ساخته است. او اهداف انقلاب را در تغییر تمام یا جزیی از وضع موجود و نیز رفع نابرابری خلاصه می کند و در تعابیر خود از واژه انقلاب برداشت صریح و واحدی ارائه نداده است.

مدینه فاضله افلاطون یک تئوری بود که در کتاب های او باقی ماند و هیچ گاه در طول تاریخ حکومت به دست برترین حکیمان نیفتاد مگر در دورانی که حکومت در دست اولیا و انبیای الهی قرار گرفت.

بر اساس متون دینی، اداره کردن جامعه با گروه معدودی از حکیمان و نخبگان شایسته عملی نیست.

۳- تحلیل جامعه شناختی مارکس از پدیده انقلاب را بیان کنید.

مارکس مباحث پیرامون انقلاب را در چندین حوزه پی گرفته است: فلسفه، اقتصاد، سیاست و جامعه شناسی. لیکن قوی ترین و مهم ازین مباحث خود را در مطالعات مربوط به جامعه ارائه داده است. وی روابط تولید را محور بحث خود قرار داده و معتقد است که شیوه تولید مبتنی بر روابط تولید و روابط تولید نیز تحت تأثیر طبقات جامعه می‌باشد.

از نظر وی در جامعه سرمایه داری، سرمایه دار به دلیل عدم پرداخت مزد واقعی کارگر باعث به وجود آمدن ارزش اضافی می‌شود و این امر زمینه انباشت سرمایه را فراهم می‌سازد. از نظر مارکس بایستی انقلاب در جوامعی رخ دهد که بیشتر صنعتی شده‌اند.

۴- چرا پیروان تفکر مارکس به ترمیم نظریه مارکس اقدام کردند؟

اولاً تئوری مارکسیستها در عمل با مشکل مواجه شده است. هر جا که کمونیسم به وجود آمد، پس از چندی، عقب نشست و به سمت سرمایه داری بازگشت.

سرنوشت شوروی کمونیستی، فروپاشی بود و چین نیز که به همراه شوروی، از قطب های کمونیسم در دنیا به شمار میرفت، به سمت سرمایه داری گرایش پیدا کرده است و اقتصاد خود را بر آن اساس هدایت میکند.

۵- نظریه کارکرد گرایان در بحث از انقلاب را توضیح داده، نقدهای جدی متوجه آن را بیان کنید.

ریشه های فکری این نظریه به دور کهایم بازمی‌گردد و در نقطه مقابل نظریات مارکسیستی قرار دارد چراکه مارکس بر تضاد اساسی جامعه تاکید داشت حال آنکه کارکرد گرایان تعادل و رضایت را چهره اساسی جوامع می‌پندارند. بر اساس عقیده دور کهایم در جوامع ابتدایی روابط میان افراد بر اساس هم بستگی مکانیکی است ولی تقسیم کار اجتماعی منجر به ایجاد تمایزی خواهد شد که افراد را به سمت هم بستگی ارگانیکی سوق خواهد داد. اگر تقسیم کار تشدید گردد، گسست اجتماعی شدت خواهد گرفت و همین امر موجب کجروی اجتماعی خواهد شد.

بر اساس عقیده‌ی او جامعه دارای نظم اخلاقی است که از درون خود می‌جوشد و همین امر جامعه را به سمت یکپارچگی و هم بستگی سوق می‌دهد. برخلاف مارکس که انقلاب را امری اجتناب ناپذیر می‌پنداشت، کارکرد گرایان انقلاب را امری استثنایی به شمار می‌آوردند که در خلاف روند عادی جامعه به وقوع می‌پیوندد.

اولاً اجتنابپذیر بودن انقلاب، که اساس نظریه این دسته از اندیشمندان را تشکیل میدهد، با دیگر بخشهای این نظریه همخوانی ندارد؛ چراکه در بخشی دیگر از این نظریه بر ضروری بودن انقلاب و اجتناب ناپذیر بودن آن در صورت فراهم بودن شرایط تشکید شده است. ثانیاً برخلاف نظریه جانسون، روند همواره بدینگونه که او پیشبینی کرده است، پیش نخواهد رفت؛ بلکه انعطافپذیری نخبگان حکومتی میتواند گاه ثبات و گاه بی ثباتی و تشدید روند انقلاب را در پی داشته باشد. علاوه بر این، وی برای خصوصیات فردی یک رهبر انقلاب، نقش چندانی قایل نیست و حال آنکه این نقش را نمیتوان در نظریه پردازی های انقلاب، نادیده گرفت.

۶- هانا آرت و ویلیام کورن هارز، چه تحلیلی از پدیده انقلاب دارند؟ نظریه ایشان را ارزیابی نمایید.

توده مردم از مباحث سیاسی بی اطلاع اند و به همین رو زمینه پیوستن آنان به گروه های مختلف آشوبگر وجود دارد. در این نظریه یا از موقعیت نخبگان حکومتی کاسته می شود و آنان آلت دست مردم میگردند و یا توده مردم از هویت خود تهی شده و آلت دست نخبگان میگردند.

از مفاهیم مهم این نظریه، بسیج اجتماعی است. کورن هارز در تحلیل خود از انقلاب چهار نوع جامعه را برمی شمارد:

جامعه همبسته، سنتی، تکثرگرا، توده ای و توتالیر.

در اولین نوع جوامع بسیج توده ای رخ نخواهد داد و می توان توده ها را به کنترل خود درآورد ولی در دو نوع جامعه دیگر امکان بسیج توده ای وجود دارد.

این نظریه پردازان، بر این اعتقادند که انقلاب در جوامعی رخ میدهد که ویژگیهای ذیل را دارا باشند: وجود حکومتی که توانایی اجبار و کنترل تسلیحات را در دست دارد، منافع حکومت، گروه های معارض و نیز منابع مادی و معنوی.

از جمله انتقاداتی که بر این نظریه وارد شده است: این نظریه بر اساس یک رخداد تاریخی شکل گرفته و نمیتوان آن را در عرصه های دیگر به اثبات رساند؛ علاوه براینکه اثبات این مطلب که متلاشی شدن پیوندهای گروهی یا طبقاتی باعث رشد انقلابی توده ای میشود، بسیار دشوار است.

۷- چهار محور مطالعات نظریه روان شناسانه انقلاب را ذکر نمایید. اشکال کلی این نظریه چیست؟

۱- مطالعاتی که شخصیت رهبر یا نخبه جامعه را زیر ذره بین خود قرار می‌دهد. در این نوع مطالعات بیشتر به سابقه افراد اشاره می‌شود.

۲- مطالعاتی که سرکوب‌گرایی را محور قرار می‌دهد.

۳- مطالعاتی که بر افزایش نظارت و توقعات فزاینده متمرکز اند.

بر اساس این نظریه هرچه انتظارات و توقعات افراد افزایش یابد و از نیازهای واقعی فاصله بگیرد، توان رژیم بر پاسخگویی به خواسته‌های مردم کاهش می‌یابد.

۴- مطالعاتی که بر محرومیت نسبی تاکید می‌ورزند.

در تحلیل نهایی خود به مسئله دگرگونی اجتماعی و یا انقلاب نمی‌پردازند؛ بلکه توجه خود را به علل و عوامل بروز خشونت از سوی توده‌ها در مقابل نخبگان سیاسی متمرکز ساخته‌اند و این مسئله با بررسی علل و عوامل بروز یک انقلاب یکسان نخواهد بود.

۱- جامعه متعادل چگونه جامعه ای است؟

همه افراد جامعه یا اکثریت آنان منافع عضویت در جامعه خود را بیشتر از مضار آن بدانند، خواه، سنجش و داوری‌شان صحیح باشد و خواه نتیجه ناآگاهی و بی خبریشان از اوضاع و احوال واقعی باشد، جامعه «متعادل» یا «متوازن» خواهد بود.

۲- عوامل پیدایش ایجاد تحولات در جامعه کدامند؟ نظر اسلام در این زمینه چیست؟

عوامل طبیعی، عوامل خدادادی درون خود انسان ها، عامل روحی، عامل اراده، عامل وحی از دیدگاه اسلام و ادیان الهی، آنجا که فلاسفه تاریخ و جامعه شناسان برای تعیین عوامل موثر در تحولات زندگی انسان ها بیان کرده آمد کامل نیست و تکیه آنان عمدتاً بر روی یک سلسله عواملی بوده است که در دسترس همگان بوده است.

برای بررسی تحولات اجتماعی نمی توان تنها به عوامل وراثتی، محیطی، اقلیمی و پدیده های ناگهانی و طبیعی از قبیل آتشفشان و ... اکتفا کرد بلکه باید به عامل دیگری به نام وحی نیز توجه داشت. این عامل نقش زیادی در تحولات اجتماعی داشته و دارد.

۳- عوامل مهم منشأ بحران در جوامع و ارتباط میان آنها را ذکر نمایید.

احساس فقر، احساس ظلم، احساس محرومیت از استکمالات معنوی و اخلاقی

۴- نظام های حاکم چگونه می توانند وضع موجود مطلوب خود را حفظ و از بروز بحران اجتماعی جلوگیری نمایند؟

استفاده از نیروهای نظامی، استفاده از قدرت اقتصادی، استفاده از نیروهای فکری

۵- نظر فیلسوفان علم الاجتماع در زمینه سیر تحولات اجتماعی را بیان نموده، نظر قرآن کریم را در این زمینه ذکر کنید.

گروهی از فیلسوفان علم‌الاجتماع معتقدند که حرکت های جوامع انسانی ضابطه مند است لیکن خود دارای گرایش ها مختلفی هستند. برخی بر این اعتقادند که هر جامعه ای به منزله یک ارگانیسم و موجودی زنده است که روزی متولد می‌شود و پس از آن دوران رشد، توقف و سقوط و مرگ را تجربه می‌کند.

برخی دیگر معتقدند که حرکت جامعه حرکت دایره مانند است که از یک نقطه شروع می‌شود، یک حرکت دوری می‌زند و سپس به همان نقطه اولیه برمی‌گردد و مجدداً همین حرکت دوری تکرار می‌شود. این نظریه، نظریه ادوار نام داشته است. گروه دیگر معتقدند که حرکت مارپیچی است که از یک نقطه شروع می‌شود و در جهت بازگشت به آن نقطه حرکت می‌کند.

مارکسیست ها حرکت عالم را یک حرکت تکاملی می‌دانند و طبیعی است که کمالی که یک مکتب مادی نظیر مارکسیسم را در نظر می‌گیرد، کمالی مادی خواهد بود.

مطالبی که قرآن درباره جوامع گذشته و تحولات آنها نقل می‌کند به گونه ای نیست که بتوان از آنها یک قاعده کلی را درباره کل جامعه انسانی به دست آورد. کتاب آسمانی درنهایت یک آینده تکاملی را برای جامعه انسانی پیش گویی می‌کند و آن این است که انسان شایسته ای وارث زمین خواهد شد و اهل ایمان و عمل صالح اند.